



دوره هفتم تقوینیه

<p>جلسه ۲۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین ۱۱ پهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۹ شهریور المظلم ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشراک داخله ایران بیست و نه تومان خارجیه دوازده تومان قیمت تک شماره بیست و نه تومان</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای آقا سید معقوب از آقای وزیر مالیه راجع به اراضی که در موقع کشف پول مسکوک در جرئت و عباسی ماموزین دولت نسبت به مردم فرام آورده و جواب آقای وزیر مالیه	۲۷۰	۲۷۱
۲	مخصوصاً مرخصی آقای طباطبائی و کاپلی	۲۷۲	۲۷۲
۳	اجد رای بقابل توجه بودن طرح پیشنهادی راجع به طرز عمران اراضی کوبر خوار	۲۷۲	۲۷۲
۴	قوانین خیر کمیسیون مبتکرات و ارجاع آن به کمیسیونهای مربوطه	۲۷۴	۲۷۴
۵	قوانین نسبت به خیر کمیسیون قوانین مالیه راجع به واگذاری قراولخانه ها و اراضی	۲۸۱	۲۷۴
۶	قوانین قابل استفاده شهرها به بلدیها و ارجاع مجدد آن به کمیسیون	۲۸۱	۲۸۱
۷	قوانین خیر کمیسیون قوانین مالیه راجع به مالیات ذناخ	۲۸۱	۲۸۱



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۴۷

جلسه ۲۴

(مجلس یکماعت و سه ربع قبل از ظهر)
 آقایان: حیدری - میرزا احسن خان وثوق - سید کاظم
 یزدی - دکتر سنک - آشتیالی - مفق - محمدعلیمیرزا
 دولتشاهی - حاج میرزا حبیب الله امین - دستاویز
 (مجلس یکماعت و سه ربع قبل از ظهر)
 (مجلس پنجمین و ششمین را)
 (آقای اورنگ قرائت نمودند)

ملك مدنی - حكمت - جلائی - تیمورنای - محمد آخوند
غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : غلامحسین میرزا مسعود - اکبر میرزا مسعود
آزاده سبزواری - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل -

محمد تقیخان اسعد - شیخ محمد جواد - حاج آقا
مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن

حاج غلامحسین ملك
دور استیذان با اجازه جلسه قبل

آقایان : محمود - عبدالحمید خان دیبا - خبر فرزند
میرزا آیدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : بوخت - بوشهری - شریعت زاده - اسدی
عراقی - قوام - امیر حسین خان - ذوالقدر

رئیس - در صورت مجلس مجالی نیست
(گفتند خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای آقا سید یعقوب
سؤالی از آقای وزیر مالیه داشتید بفرمائید ؟

آقا سید یعقوب - سؤال بنده متمم قانونی بود که در
دوره ششم از برای آوردن متخصص عنقیبات در این جا

گفته شد غنا که میخواهد متخصص از برای عنقیبات
بیاورید يك قانونی بیاورید که مردم و تبعه داخله برای

استخراج از زیر زمین آزاد باشند بعد از این جا
آقایان وزراء به ما وعده کردند که قانونی

نهیہ میکنیم تا موقعی که بروگرام در مجلس مطرح شد
باز در اینجا ما گفتیم که آن چیزی که

و باید هیئت دولت در نظر بگیرد مسئله آزاد کردن
مردم است از استخراج چیزهایی که در زیر زمین است

آقایان وزیر مالیه و وزیر عدلیه هر دو اظهار کردند که
ما در قانون مدنی يك ماده راجع باین مسئله تعیین

کردیم و تلکراف هم بنام نقاط کردیم که مأمورین دولتی
بویچوجه متعرض مردم نشوند و این يك نویدی بود و

ما هم حقیقه مطمئن شدیم که مردم راحت شدند بعد از
دو ماه تلکرافی از جبرفت آمد که در آنها مشغول احداث

يك خیابانی بودند يك پول مشکوکی پیدا شده بود فوراً
رأی دادند - رعایا شایسته آنند -

مأمورین سر آنها ریخته بودند حالا انوشته بود که
مأمورین مالیه بودند با امنیه با جای دیگر آن بیچاره ها

را جلب کرده بودند و پولها را هم توقیف کرده بودند گفتیم
شاید در تلکراف تأخیر شده چون در آنجا تلکراف

نشدند و بعد دو مرتبه از بندر عباس تلکراف آمد که
در روز بیستم نوشتند در روز نامه کوشش هم بود در

روزنامه ای که بود خود هیئت محترم دولت هم بقینا مستحضر
شده اند که در بندر عباس يك دیواری را مشغول ساختن

بوده اند يك طرف پول مشکوکی پیدا شده بود باز آنها
را تحت تعقیب قرار داده اند بنده باعتبار آن چیزی که

آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه فرمودند که ما بر
طبق قانون تلکراف کردیم تمام جاها که اگر کسی

چیزی پیدا کرد مزاحم او بشوند بنده این مطلب را در
مجلس سؤال کردم از آقای وزیر مالیه که در این مسئله چه

اقدامی کرده اند حالا قطع نظر از این واقعۀ که در جبرفت
و بندر عباس اتفاق افتاده است اینها همیشه دولت باید مطابق این

قانون که ایستی در مملکت عمل شود مردم را آزاد بگذارند
اگر قانون میخواهند برای عنقیه جاب بنویسند زود

بنویسند و بیاورند از مجلس بگذرانند و مردم را راحت
کنند که لااقل بتوانند از این قسمت در مملکت استفاده

کنند از این چیزهایی که در زیر زمین است مردم
محروم نمانند و بنده حالا در اینجا بیغ و شکوی نمیخوام

بگویم مقصودم بیان اصل موضوع بود و حالا که آقای
وزیر مالیه اینجا شریف دارند در هیئت يك جوانی که

اسباب اطمینان مردم باشد بدهند که اگر بروند زود
زیر زمین چیزی پیدا کنند مأمورین دولت زود توی کلاشان

بزنند و اسباب زحمتشان را فرام کنند
وزیر مالیه - تذکری که نماینده محترم دادند راجع

مذاکرات سابق که در مجلس شده بود و همکار محترم من
آقای وزیر عدلیه و بنده در آن شرکت کرده بودیم اگر

در خاطر شما باشد بالاخص ما مربوط به دقینه بود
فرق است این دقینه و این حفزبانی که از برای کف

و بیرون آوردن عنقیبات است - البته آن قسمتی که مربوط
(بنده سؤال می کنم)

از برای کیف عنقیبات است مطابق يك قانونی
که مأمورین متوجهین در دست نهیہ است و بعد مجلس

تصمیم خواهد کرد تکلیفش معلوم میشود راجع به
پول مشکوکی آنوقت عرض کردم حالا هم تأیید میکنم

که در باب ششم در قانون مدنی ماده ۱۷۹ (به بخشید)
باید پنجم از ماده صدر هفتاد و سه نامه صدر هفتاد و

دو تکلیف این کار معلوم شده و البته همه جا و همه
مأمورین هم موظف با احترام و اجرای قانون هستند قضیۀ

که به او اشاره کردند در سؤالی که بنده ابلاغ شده
بودم فکر کرده بودند یکی راجع به جبرفت بود یکی

راجع به بندر عباس بنده تا بحال سابقه راجع به جبرفت
نشانده ام پیدا کنم ولی راجع به بندر عباس این است

تعیین که در ۲۵ آبان گذشته در جزیره هنگام دوازده
دولتی اداره گمرک و قشونی آنجا بنا میکردند در ضمن

اینکه این میکنند برای دیوار مصادف شده اند به يك
شکلوکی چون عمل مربوط بمأمورین دولتی بوده و آنها

این بی را میکنند اند برای اینکه دیوار بنا کنند و يك
اراضی بوده که مالک خصوصی نداشته است آن مشکوکی

که در آنجا پیدا شده مأمورین دولتی تحت نظر گرفته اند
و راپورت داده اند و الا نه از حیث اینکه مالک خصوصی

داشته است مشغول این قانون میشود و نه اینکه عمل
کنند اشخاص خاصی بوده اند که مأمورین دولت نسبت

باین عمل کرده باشند مأمورین اداره گمرک و قشونی
برده اند و بنده غیر از این اطلاعی ندارم

آقا سید یعقوب - بنده حقیقتاً میتوانم شکر گذاری
کنم که دولت تعقیب این مطلب را دارد و يك تأییدی

برای مردم است که اگر دقینه پیدا کنند دیگر مأمورین
دولت متعرض آنها نشوند همین قدر که آقای وزیر مالیه

اظهار کردند که اگر دقینه پیدا شود مطابق قانون
مطابق با مردم رفتار میشود مسلماً این يك تأییدی است

و این تأیید راجع به عنقیبات هم قانونش را بیاورید که
تکلیفشان معلوم شود

رئیس - آقای اعتبار فرمایشی دارید ؟

اعتبار - خیر عرضی ندارم

رئیس - آقای رئیس الوزرا فرمایشی دارید ؟

رئیس الوزرا - آقای آقا سید ابوالقاسم خان عمید را

بکفالت وزارت امور خارجه بحضور مجلس معرفی میکنم

در مسئله مدارس هم که صحبت شد در صدد هستیم این

مسئله را اصلاح کنیم

رئیس - دوقفره راپورت مرخصی از کمیسیون عرایض

و مرخصی رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

خبر مرخصی آقای طباطبائی و کبلی

نماینده محترم آقای طباطبائی و کبلی بواسطه کسالت و

مرض قلب برای معالجه به تصدیق اطباء مسافرت خود را

بالیان لازم دانسته و تقاضای چهار ماه مرخصی از تاریخ

حرکت نموده کمیسیون بواسطه صحت اظهارات معزی الیه تقاضای

ایشان را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد و چون

مرخصی از تاریخ حرکت دوام اکثریت مجلس را ممکن بود

متنازل سازد لذا مرخصی ایشان مشروط است باینکه تا

چهار ماه از تاریخ ۳ بهمن از این مرخصی استفاده نمایند

و الا این مرخصی از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مکرر عرض کرده ام در این طور

مواقع نه ملاحظه دوستی از کسی میکنم نه ملاحظه

دشمنی در این جا آمده ام حفظ حقوق ملت و مملکت را

بکنم و انشاء الله با موافقت آقایان هم میکنم باین نظر بنده

عقیده ام این است هر کس هر جایی میخواهد برود آزاد

است کسی جلوگیری از وکیل یا غیر وکیل نمیکند می

خواهند بروند تشریف ببرند خوب خدای بخوانسته

ناخوشند خیال کنند وکیل نیستند اگر وکیل نبودند و

مريض میشدند از ملت چیزی میگردند در مقابل مریشان
عرض کردم اجرت در مقابل عمل است در مقابل کار
است میخواهد شخصی مريض باشد میخواهد سالم باشد

حالا این جا آقا چهار ماه مرخصی میخواهند آهرا ایشان مطابق کدام قانون شرعی میتوانند هزار و دوست تومان از مال مردم بگیرند و از این حقوق استفاده کنند بنده کمان نمیکند خود ایشان هم راضی باشند که در این چیز ها رأی بدهند و بنده چون قسم خورده ام نمیتوانم هرگز بر خلاف عقیده خودم این جا ساکت بنشینم

آقا سید مرعشی و ثوق (مخبر کبسیون) - آقای فیروز آبادی در قسمت اول مخالفت فرمودند و فرمودند که مسافرت در پیش دارند و مرخصی اولای ایشان باید بدانند که پس علی المریض خرج اگر مرخص شدند مستلزم این نیست که حقوق بگیرند و مسافرت ایشان هم برای کسانی است و تمام اطباء هم تصدیق کرده اند که باید این مسافرت را بکنند و ایشان از جمله اشخاصی هستند که احتیاج نداشته باشند. تمام این مراتب در کبسیون تحقیق شد و تصدیق کردند که چهار ماه مرخصی با استفاده از حقوق به ایشان داده شود.

فیروز آبادی - فرمایشات جنابعالی هم تأیید عرض بنده را کرد.

رئیس - رای میگیریم بر مرخصی آقای طباطبائی وکیل آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

مخبر مرخصی آقای اعتبار نمایند محترم آقای میرزا احمد خاب اعتبار بواسطه عارضه کسالت و لزوم معالجه مسافرت خود را بخارجه ضروری دانسته و تقاضا سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کبسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد مشروط بر اینکه از تاریخ ۶ بهمن ماه از این مرخصی المی مدت سه ماه استفاده نمایند و الا بعد از انقضاء مدت از درجه اعتبار ساقط است.

مخبر - این خبر را بنده پس میگیرم

رئیس - طرح قانونی راجع بطرز عمران اراضی کویر خوار قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

مقام مدتی ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه نظر توجیه مخصوصی که از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی در آبادی و عمران و توسعه فلاح و تعادل واردات و صادرات و رفی اقتصادیات مملکت مشهود میشود و نظر باینکه ترقی و توسعه فلاح بزرگترین عامل مهم تهیه مواد صنعتی و تزوید صادرات و اصلاح اقتصادیات مملکتی است و در بهبودی اوضاع و ترقیات مملکت نتایج مهمی خواهد داشت علیهذا برای آبادی و عمران اراضی کویر خوار که فعلاً بلا استفاده و در صورت توجه در آبادی آن علاوه بر تهیه مواد قابل صدور از قبیل اریشم و پنبه و پشم بادام و زانن آذوقه طهران را که غالباً اضطراب و وحشت اهالی را تولید و دولت را به تحمل زحمات و خسارات فوق العاده دچار و بلکه هر چند سال بکثرت به مجبور به ورود غله از خارجه مینمایند نامین و در اندک مدتی تقریباً معادل قراء فعلی و زمین و خوار در بیست فرسخی مراکز آبادانی های جدید ایجاد میکنند بنا بر این مواد ششگانه ذیل را تقدیم و تصویب آن را تقاضا مینمایم.

ماده ۱ - وزارت مالیه مجاز است اراضی کویر خوار را با مشخصی که تقاضا مینمایند برای احداث قراء مجانباً و بلا عوض واگذار نماید

ماده ۲ - تقاضا کنندگان باید تبعه مسلم ایران بوده و ملزم خواهند بود که اراضی واگذاری را در ظرف یکسال از تاریخ تحصیل اجازه نامه شروع به آبادی واحداث قنات نموده و چنانچه اقدام نمایند پس از یک سال اراضی از صاحب اجازه منتزع خواهد بود

ماده ۳ - بهر شخص تقاضا کننده بیشتر از مساحت یکصد و پنجاه خروار که بیست هزار ذرع مربع باشد داده نخواهد شد.

ماده ۴ - صاحبان قراء مستعدنه خوار در صورت احتیاج و کافی بودن آب قنوات میتوانند از مازاد حقابه قراء فعلی خوار از رودخانه جبل رود بر طبق مقررات جاریه استفاده نمایند و نیز بجهت شیرین کردن اراضی از رودخانه مزبور حق بردن آب خواهند داشت در

ایلیپورت مجاز خواهند بود که آنها را اختصاصی خود را پس از پرداخت قیمت اراضی که محل نهر و حفر قنات واقع میشود نهر مزبور را باآهار عمومی که برود خانه اتصال یابد رسانیده و با مستقیماً برود خانه برساند و احدی حق مالکیت نخواهد داشت

(اراضی دولتی مجاناً داده خواهد شد)

ماده ۵ - قراء مستعدنه در اراضی کویر خوار از اولین برداشت محصول تا مدت ده سال از تأدیبه مالیات معاف و پس از آن تابع مقررات عمومی خواهد بود

ماده ۶ - جهت قراء مستعدنه وزارت مالیه مکلف است نظامنامه برای اجرای مواد فوق تهیه و بر طبق این قانون شروع بواگذاری اراضی کویر بتقاضا کنندگان بنماید (مخبر کبسیون مبتکرات هم بشرح ذیل خوانده شد)

کبسیون مبتکرات در جلسه روز سه شنبه دوم بهمن ۱۳۰۷ طرح قانونی راجع به طرز عمران اراضی کویر مجاز را با حضور نماینده وزارت مالیه تحت مذاکره و مذاقه قرار داده و بالاخره طرح مزبور را قابل توجه دانسته اینک خبر آن را تقدیم و تقاضا مینماید که کبسیونهای قوانین مالیه و فوائد عامه ارجاع شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده فوق العاده علاقمند هستیم بناب قانون زیرا قانون خوبی است و امیدوارم که کبسیون زود تر موفق شود بیآورد در مجلس و ما هم انشاءالله موفق شویم بصویب آن و در اول بهار دولت یک اقدامی بکنند و اینک قدیمی برای عمران بردارد ولی نوشته بود که برود بکبسیون قوانین مالیه و فوائد عامه بنده نظر ندارم که کبسیون فوائد عامه مدخلیت داشته باشد. (حالا شاید ادنی مناسبت را ملاحظه کرده باشند) و باید بهمان کبسیون قوانین مالیه تنها برود که راپورتش زود تر بیاید مجلس که بلکه یک قدم اساسی برای عمران برداشته شود.

رئیس - آقای دهستانی فرمایشی دارید؟

آقای دهستانی - غیر بنده موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده البته اصولاً با این لایحه موافقم و شاید خود بنده هم امضا کرده باشم لیکن میخواستم عرض کنم اراضی که متصف بان صفات باشد با نظیر این اراضی باثره که همینطور بی حاجت افتاده در ایران خیلی زیاد است که دولت ادعای مملک آنها را میکند مردم هم که غالباً فاقد جمیع وسائل هستند بنده عقیده ام این است که اگر یک لایحه راجع بکلیه اراضی باثره و دائره پیشنهاد میشد بمجلس که از جمله اش این تکه اراضی در خوار است انفع بود نسبت بمملکت. حالا بنده این عرض را کردم شاید در کبسیون مالیه برای پیشرفت مقصود بنده راهی بنظرشان برسد

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهادیکه قرائت شد راجع بطرز عمران کویر خوار آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر کبسیون قوانین مالیه راجع بواگذاری قراول خانها و غیره به بلدیه ها قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

کبسیون قوانین مالیه پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را در شور اول بمجلس شورای ملی تقدیم نموده بودند تحت شور قرار داده و ماده واحده را بشرح ذیل تنظیم و راپورت آنرا تقدیم میدارد

ماده واحده - دولت مجاز است املاک دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه به بلدیه همان شهر واگذار نماید

(قراولخانها - سرنازخانها - میدانها - اراضی باثره باغات - بیوپارها - اراضی خربیم دار الحکومه ها -

قنوات باثره دولتی که ممکن است مورد استفاده شهرها واقع شود)

بلدیه ها هر قدر از مخلفای مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسات بلدی لازم است نگاهداشته و مابقی را با اطلاع وزارت مالیه بجزایده فروخته و وجه حاصله را منحصراً بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رسانید .

تبصره - خندقها و خاک ریز و حصار شهرها که مورد استفاده نظامی نیست و تا موقع تصویب اینقانون بنائی در آنها نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق به بلدیه ها و میتوانند فروخته و بمصرف تأسیسات عام المنفعه برسانند .

رئیس - شور ثانوی ماده واحده مطرح است . آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرضی ندارم

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

وزیر مالیه - بنده تقاضا میکنم در تبصره ماده ترتیبی که تنظیم شده يك لغت (حریم) افزوده شود از برای اینکه بعضی خندق ها هستند که اینها گذشته از خاک ریز متدولا و معمولاً يك حریمی هم دارند آن حریم هم باید مشمول همین قسمت شود بنده حالا آقای مخبر را هم باید دادم آقای مخبر هم کمان میکنم با بنده موافقت بفرمایند (حصار خندق شهرها و خاک ریز خندق و حریم آن)

مرئضی قلبیخان بیات (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) اینجا بعقیده بنده کلمه (حریم) نوشته شود کافی است و این نظری که حضرت والا فرمودند البته چیز لازمی است و از نظر افتاده بود و باید کلمه (حریم) اضافه شود که در موقع عمل اشکالی پیش نیاید

رئیس - آقای عدل

عدل - عرضی ندارم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده با این ماده موافقم ولی با نظر

مشاورش با کیست میگویند با بلدیه است اگر این طور است شایعاً چرا خیابانها را نمی نویسید ؟ خیابانها هم مثل بلدها است . در هر صورت بنده عقیده ام این است بطور کلی نوشته شود وزارت مالیه مکلف است عبارت (مجاز است) خوب نیست چون باید مکلف باشد و اگر نوشته شود دولت مکلف است کلیه اموال غیر منقولی که در شهر با اراضی غیر از آنچه که مورد احتیاجش است واگذار کند بلدیه ها این خیلی ساده تر و جامعتر است بلدیه اگر يك جائی را لازم داشت جدا میکند و آنچه را که لازم نداشت میفرودد . ملاحظه کنید در این سنوات اخیر چه کمکهای بلدیه های ولایات کرده اند صد تومان ، صد و پنجاه تومان ، دو صد تومان که يك مقداری از آن هم خرج برسنلی میشود و چیز قابلی باقی نمیاند که بلدیه ها يك سر و صورتی بگیرد و دائماً شکایات از ولایات و ولایات راجع بشهر هاشان میآید چون میآیند بمرکز ما ما میکنند میبینند وضعیت مرکز عوض شده است هوس میکنند و تقاضا میکنند که اعتبارشان زیاد تر شود حالا که حاضر شده اند يك به بلدیه ها بکنید يك قدری بکش و توسعه بدهید دولت هم اگر فلان تیکه زمین را در فلان شهر نداشته باشد که سالی ده تومان باو فایده برساند بنده بنده طوری نمیشود از آنطرف يك کسکی باهالی شهر ها شده . این عقیده بنده است

وزیر مالیه - نظر نماینده محترم در اینکه بایستی يك کمی کرده بلدیه ها کاملاً با نظر دولت تطبیق میکند و بهترین ملائمت هم موافقت با این طرح است که از طرف آقایان نمایندگان داده شده بود و در کمیسیون قوانین مالیه بنده خودم حاضر شدم و موافقت کردم و توافق نظر حاصل شد . دو ایراد دارند یکی اینکه میفرمایند نوشته شود دولت مکلف است عوض اینکه نوشته شود مجاز است بنده من صدر و ذیل فرمایش خودشان يك قدری تغییراتی دارد اگر نوشته میشد (دولت مکلف است تمام اموال غیر منقولی که در شهرها دارد بدهد بلدیه ها) این تطبیقی بود ولی اگر نوشته شود دولت مکلف است

آنچه را که لازم ندارد بدهد این با مجاز است چه فرقی میکند؟ عیناً یکی است برای اینکه مشخص اینکه احتیاج دارد یا ندارد خود دولت است . شایعاً وقتی گفتید مجاز است این را بدهد عیناً مطلب بر میگردد بهمان صورت اما بنده یقین دارم خود نماینده محترم با من موافقت دارند که بایستی يك فکر ثانوی را داشت و آن این است که دولت آنچه را که برای احتیاجات دوائر دولتی خودنی لازم ندارد بدهد بلدیه اگر لازم دارد که نباید بدهد از انطرف یقین داشته باشید که بهیچوجه من الوجوه دولت مایل نیست يك بنائی را که يك روز اسمش قراولخانه بوده و امروز اینجا افتاده این را بگذارد مخروبه بیفتد و واگذار نکند . ای بسا اتفاق میافتد که ما خودمان در زحمتیم و متاسفیم که چهرا اجازه قانونی در دست نداریم که این چیز های بی مصرفی را که ما نمیتوانیم ازش استفاده کنیم یا اگر استفاده میکنیم استفاده جزئی است و اگر گذار کنیم یا اگر استفاده میکنیم که يك استفاده های بهتری بکنند . پس بعقیده بنده اصل فکر یکی است و تبدیل مجاز است به مکلف است چیز خوبی نیست آقا موافقت بفرمایند همینطوری که ماده تنظیم شده در این قسمت باقی باشد بعد فرمودند ما چرا اینها را اسم میبریم و چرا بطور کلی نمیتوسیم اموال غیر منقول . اگر چه این تعدادی که در ماده کرده اند مرادف با همان اموال غیر منقول است برای اینکه همه اش هست بنده هر چه فکر میکنم می بینم چیزی خارج از اینها باقی نمیآید برای اینکه نوشته شده قراولخانه ها - سربازخانه ها - میدانها - اراضی باثره - باغات - بیوات - اراضی حریم دارالحکومه ها قراولخانه ها دیگر چیزی تصور نمیکنم باشد . حالا آقا اشکالشان سر اراضی دائره و باثره است اینجا بعقیده بنده اشکالی ندارد علتش را هم عرض میکنم برای اینکه بنده هر چه فکر میکنم می بینم در شهر يك اراضی دائره که غیر از صورت باغ داشته باشد یا بیوات باشد نیست . اراضی مزروعی که وسط شهر نیست . اراضی که وسط شهر ها است اراضی است که زراعت درش نمیشود

رئیس - آقای اورنگ هم پیشنهادی کرده اند (بشرح آتی خوانده شد):
 پیشنهاد میکنم در آخر بصره، دنبال حصار شهر ها کلمه خرابه ها اضافه شود.
 رئیس - آقای اورنگ -
 اورنگ - خاطر مبارک آقایان مسبق است که بعضی اراضی هست که در آنجا خاشاک انباشته اند و خاک کروی در آنجا میریزند این ها اراضی باثرب است و هیچ مالک و صاحب معینی هم ندارد مگر آن کسی که آن زمین را حیات میکند زیرا بموجب ماده ۶۱ قانون مدنی هر کس که این قبیل زمین ها را حیات کند او مالک ملک شناخته میشود حالاً من باب مثل عرض میکنم: از سر قبر آقا که غالب آقایان عبور فرموده اند از جلو که قبرستان شروع میشود یک زمین بسیار بزرگی است که کله بزهای طهران استخوان ها را میراند و در آنجا انبار میکنند و میریزند این زمین را کسی ضبط نکرده و یک مالک خصوصی هم ندارد برای اینکه دیده اند اگر بخوانند این زمین را اشغال کنند خرجی که باید بمصرف پاک کردنش برسد خیلی زیاد تر از خود زمین تمام میشود. از این قبیل اراضی در شهر ها خیلی زیاد پیدا میشود. بنده در همین طهران متجاوز از پنجاه فقره از این اراضی را حفظ و حاضر الذهن دارم که ممکن است بعضی آقایان برسام و نشان بدم. مقصود بنده این است که این قبیل اراضی هم مطابق این پیشنهاد جزو این بصره شود که بلدیه ها بتوانند آنها را فروخته صرف مؤسسات عام المنفعه بکنند این بود توضیح بنده حالاً اگر آقای مخبر قبول بکنند که این قبیل خرابه ها هم علاوه و مشمول شود خیلی خوب است زیرا با آن عناوینی که قبلاً فرمودند مشمول نمیشود و اگر قبول کنند که نظریه بنده و همه آقایان تأمین میشود.
 وزیر مالیه - در وجهی که نمائنده مجرم بیکی از مواد قانون مدنی داشتند خیلی خوب است ولی از بعضی مواد دیگر غفلت فرمودند و باید بدانند که این ماده قانون

با توجه بان مواد دیگر تهیه و تنظیم شده و آن مواد را اگر ملاحظه بفرمائید مسئله حل خواهد شد. دو ماده در قانون مدنی است مواد ۲۵ و ۲۶ که بنده برای تذکر آقایان میخوانم. ماده ۲۵ میگوید: هیچکس نمیتواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاصی ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان کاههای عمومی تملک کند و همچنین است قنوات و چاههایی که مورد استفاده عموم است.
 لفظ میدان در اینجا اینفائده را دارد که بموجب این قانون استثنا میشود و اگر برای تأسیس بنای مفیدی یک تکه از میدان کهنه را بلدیه بخواهد بفروشد و یک بنای نوری بسازد بتواند ولی امروز مطابق این ماده نمی تواند.
 ماده بعدش این است: ماده ۲۶ اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه رذخیره و سفائن جنگی و همچنین آذانه و اینجه سلطنتی و عمارات دولتی و سیمهای تلگرافی دولتی و موزه ها و کتابخانه های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از اموال منقوله و غیر منقوله دولت بعنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملیک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی بایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.
 بالاخره بنده بیشتر موافقت آقایان را بعد از توجه کامل بان مواد جلب کردم و الا در شور اول بنده این بصره موافقت نمی کردم زیرا خیال میکردم اساساً ما نمیتوانیم تملک بلدیه ها را در خاک ریز ها خودمان بشناسیم ولی بعد از توجه کامل بان ماده این را اضافه کردم و این قید را کردم که در صورتیکه خندقها و خاک ریزها طرف احتیاج عمومی نباشد بلدیه واکذار میشود اما راجع بان قسمت اراضی باثرب که فرمودند آن هم متأسفانه با ماد ۲۷ تطبیق نمیکند زیرا ماده ۲۷ میگوید

و اگر ملک اشخاص نمی باشد و افراد مردم میتوانند اموال منقذرات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه بهر یک از اقسام مختلفه آنها تملک کرده و با آنها استفاده کنند مباحث نامیده میشود (و باثرب گفته است) مثل اراضی موات یعنی زمینهایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد. حالاً این قانون باز میآید و در یک قسمت وارد این ماده میشود و این تجویز را میکنند که اگر یک اراضی که ما این تجویز را باثرب گذارده ایم و این اصطلاح را برایش گذاشته ایم (حالا فرض میکنیم مشمول این تعریف هم باشد یعنی یک اراضی باشد که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن نباشد) اگر دولت هم بخواهد بگوید بموجب ماده ۲۶ من امروز این اراضی را متصرفم از آنجا از نقطه نظر مصالحی یک استثنا آن قائل شده ام و اینها را بلدیه ها واکذار میکنند و رویهمرفته بنده تصور میکنم این ماده و این قسمت هایی که تنظیم شده بان مواد قانون مدنی تطبیق میکند و اگر مشکلاتی باشد رفع میکند.
 رئیس - پیشنهاد خودشان را مسترد کردند.
 رئیس - آقای کنگه
 پیشنهاد میکنم بعد از لفظ میدانها اضافه شود که مالک ندارد.
 رئیس - آقای کنگه
 پیشنهاد میکنم مخصوصاً در حدود تبریز بعضی میدانها هست که وصل و مجاور با مالک و خانه های مردم است و مالک آن ها نامیده می شود و بعضی میدانها هم هست که بر عکس مالک مخصوصی ندارد و باوجود استفاده عموم است لهذا بنده این قسمت را پیشنهاد کردم برای اینکه بعدها اسباب زحمت مردم فراهم نشود.
 مخبر - آقایان بعضی اشکالات در این قانون میفرمایند که بنظر بنده مورد ندارد برای اینکه مادر اول ماده ۲۷ این است مجاز است اموال دولتی ذیل را در هر حالتی که از نظر این طور باشد دیگر هیچ اشکالی

چیزی اضافه کنیم. کاروانی که از این فقرات است لهذا بده استزاده میکنم. پیشنهاد آقای افشار ماده واحده را بطریق ذیل اصلاح میکنم:

ماده واحده - دولت مجاز است املاك دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دولت خود لازم آید با اطلاع وزارت مالیه به بلديه همان شهر واگذار نماید (قراول خانها) سر باز خانها - میدانها اراضی باغی - باغات - بیوتات اراضی حریم دارالحکومه قنوت باغی دولتی که ممکن است مورد استفاده شهرها واقع شود (بلديه ها هر قدر از محل های مزبوره را برای حیوانات های جدید و مؤسسات بلیدی لازم است بکاهدشته و مابقی را مطابق قانون محاسبات عمومی مزائده فروخته وجه حاصله را منحصراً بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رساند.

رئیس - آقای افشار
 افشار - بنده موقعی که این لایحه مطرح شد اجازه خواستم و آقایان منشی های محترم متذکر شدند تا چاره شدم بعنوان پیشنهاد نظریه خودم را عرض کنم بلديه ها مطابق تشکیلات فعلی جزو وزارت داخله هستند و مطابق قسمت اخیر ماده واحده این اراضی باید از طرف وزارت مالیه واگذار و تسلیم شود. و از این حیث بلديه ها تحت اختیار يك وزارت نخواهد بود. و از این حیث وزارت داخله واقع میشوند و دیگر اینکه وقتی مطابق این ماده يك اراضی که دولت طرف احتیاجش نیست به بلديه واگذار کرد آنوقت بلديه مالك خصوصی آن اراضی میشود و باید به بلديه ها اجازه داد که مطابق قانون محاسبات عمومی در صورتیکه يك قسمت از این اراضی طرف احتیاجش نباشد آنها را بفروشد و عوایدش را منحصراً به مصارف عام المنفعه برساند. و الا نظر باینکه مابین مأمورین دولتی اشتراك مسئولیت نیست ممکن است در فروش يك قسمتی از این اراضی بین مأمورین دولتی توافق

نظر حاصل نشود. یعنی بلديه با فروش موافق باشد و امین مالیه مخالفت کند و آنوقت نتیجه این خواهد شد که این اراضی همینطور خواهد ماند وجه مهم مصارف عام المنفعه نخواهد رسید از این جهت بنده پیشنهاد کردم که کلمه «با موافقت وزارت مالیه» حذف شود.

مخبر - عرض میکنم اگر آقای افشار درست دقت بفرمائید ملاحظه خواهند فرمود که فعلاً ما در اغلب جاها بلديه قانونی نداریم و در غالب ولایات بلديه ها اذاری است. یعنی يك نفر رئیس بلديه رفته و يك کمیسیون هایی را در آنها دائر کرده و کار میکند. علاوه بر این مقصود ما این است این قانونی را که فعلاً می نویسیم حقیقتاً عملی باشد. نه اینکه يك چیزی بنویسیم ولی بواسطه اینکه بلديه قانونی نداریم يك اشکالاتی برنجوریم و اجرا نشود. اما می خواهیم این قانونی را که می نویسیم اجرا شود. اما آمدم سر مطلب ما جمله با موافقت وزارت مالیه را برای این نوشتیم که در همه جا وزارت مالیه نظارت داشته باشد چون املاك دولتی است و بفروش میرسد و عقیده بنده این است که اگر قدری در آن دقت و نظارت بیشتر بود بهتر است. در کمیسیون هم این پیشنهاد شده بود ولی باین جهت کمیسیون با این نظریه آقای افشار موافقت نکرد و همین ترتیبی را که نوشته شده بهتر میداند و تأیید میکند.

رئیس - رأی گرفته میشود. بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افشار. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد

پیشنهاد آقای سید یعقوب
 پیشنهاد میکنم به بصره پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود.

رئیس - مقصودشان حذف حریم است

آقای سید یعقوب - بنی آقای وزیر مالیه فرمودند خندقها و خاکریزها و حریم، آقای مخبر هم قبول کردند در لایحه که از کمیسیون تقدیم شده بود که «جریم» نبود و این يك

چیزی بود که آقای وزیر مالیه در این جا اضافه کردند و بنده عقیده ندارم زیرا حرم خندق همان خاکریز خندق است و مقصود از حرم چیزی است که برای وسعت و ارتقای ملك قرار داده اند و دست انداز ملك است و چون ملك ریز خندق در واقع همان حرم خندق است و چیز دیگری نیست از این جهت بنده پیشنهاد کردم بهای بصره که کمیسیون پیشنهاد کرده و مطرح بود رأی گرفته شود. ولی حالا چون پیشنهاد آقای افشار قبول شده و لایحه بر میگردد به کمیسیون تقاضا میکنم پیشنهاد بنده هم به کمیسیون برود و در اینجا مطالعات لازمه بعمل آید.

مخبر - به نظر بنده لازم است که این لفظ ذکر شود ولی چون همانطوریکه فرمودند این لایحه به کمیسیون ارجاع میشود این پیشنهاد با سایر پیشنهادات هم بکمیسیون بیاید و در اینجا ملاحظات و مذاکرات لازمه خواهد شد و راپورت خواهیم داد.

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به ذباخ قرائت میشود.

بعضی از نمایندگان - ظهر است

ماده اول و دوم بشرح ذیل قرائت شد

بوزارت مالیه اجازه داده میشود از تاریخ تصویب این قانون فقط در شهرها و قصبات از هر کشتار بز دو قران و از گوسفند دو قران و دهشاهی از بره سه قران از گاو و گوساله سه قران و دهشاهی و از گاو میش پنج قران دریافت دارد

ماده ۲ - وزارت مالیه مکلف است از ابتدای ۱۳۰۸ تا سه سال با جلب نظر وزارت داخله اعتبار كلك های لازم را نسبت به بلديه های شهرها و قصباتی که مسلخ ندارند برای تأسیس و نگاهداری مسلخ در بودجه های ملكتی منظور دارند

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)